



غناي معرفتي اسلام

در زیر سه اصل اسلام، میدان برای پذیرش شرف بازشی، هم پذیرش علمی، هم پذیرش عملی، هم پذیرش اخلاقی، هم پذیرش شرف سیاسی، هم عزت و اعتلای مدنی و هم آزادی و عدالت و آرمانهای بزرگ انسانی. در محط اسلامی و زیر سه اصل اسلام، هیچ حجاب و حدی برای انسان وجود ندارد. بی‌همتایی و کم‌همتی ما است، کوتاهی انسانها است که نمی‌گذارد آنها از اسلام استفاده کنند. در محط اسلامی، بازگشت به اسلام و بهره‌بردن از معارف اسلام، کاری عظیم است که اگر روشنفکران و اندیشمندان و دانشمندان و اهل علم و معرفت در هر کشوری از کشورهای اسلام به آن بپردازند، خواهند توانست بهره‌هایی از ادبی ببرند [1].

معارف شایسته در اوج اعتلا است. [2]

لزوم فهم صحیح از متون دینی

(نکته‌ای که در اینجا بسیار حائز اهمیت است، این است که) اسلام را آن‌چنان که فهم صحیح انسانی و در متون اصلی اسلامی هست، باید فهمید، باید دانست و با هدایت قرآنی از آن بهره‌برد. خود قرآن «تب اننا لکل شیء است» راهنما است، در آن است، خط است.

در جوامع اسلامی، به اهل فکر و نظر تلقین می‌کنند - که این تلقین هم دنباله‌هایی همان تسلط فکری غرب و فرهنگ غربی است که از سه طره تفکر اسلامی و مهمه دارد - که اسلام را با سستی با ابزار و با فهم معارف غربی دانست! این طور نیست. البته همه معارف، انسان را آنگاه می‌کنند و برای فهم بهتر مجهز می‌نمایند، اما اسلام را از خود اسلام باید گرفت، حقایق اسلام را از متون اسلام باید گرفت، حقایق اسلام را با مصطلحات خود اسلام با سستی دانست و فهمید و مورد عمل قرار داد.

[3]

متون اصیل اسلامی

اسلام مشعل راهنمایی فکر و ذهن انسانها و هدا تگر انسانها است. قرآن، کتاب هدا ت و کتاب نور است. آن کسانی که به قرآن مراجعه و تدبر می کنند و زه نه لازم و استعداد لازم را در خود به وجود می آورند، برای ان که از معارف قرآن استفاده کنند، آنها می توانند از قرآن بهره ببرند. [4]

انس با قرآن، یکی از راههای (است) که در اعتقادات انسان، در مبانی فکری انسان، در روح انسان، در ایمان انسان عمق ا جاد می کند. [5] انس با قرآن، معرفت اسلامی را در ذهن ما قو تر و عم قتر می کند. بدبختی جوامع اسلامی، به خاطر دوری از قرآن و حقا ق و معارف آن است. [6]

(در مورد جامعه ما هم باید گفت) چه قدر مفاه م اسلامی در قرآن هست که اگر ما بخواه م در فقه بحث کن م، به فکر آنها نمی افت م. ان نزوای قرآن در حوزه های علم ه و عدم انس ما با قرآن، برای ما خ لمی مشکلات درست کرده است و بعد از ان هم خواهد کرد و به ما تنگ نظری خواهد داد.

من ک وقت در سالهایی قبل از انقلاب در مشهد در درس تفس ر، به طلبه ها می گفتم که ما از اول «بدان ا دک الله» تا وقتی که ورقه اجتهادمان را می گ ر م، می توان م حتی ک بار به قرآن مراجعه نکن م! معنی وضع درسی ما ان طوری است که اگر طلبه ای از ابتدا حتی ک بار به قرآن مراجعه نکند، می تواند هم ن رشته ما را از اول تا آخر سر کند و مجتهد بشود! چرا؟ چون درس ما اصلا از قرآن عبور نمی کند. متأسفانه حالا هم که نگاه می کنیم، می ب نم همان طور است. ما در فقه گاهی مثلاً ک آ ه قرآن را ذکر می کن م، آن هم خ لمی روش کار و تحق ق نمی شود؛ به قدری که در روا ات ما بحث می شود و کار می شود. (آری، قرآن از حوزه ما منزوی است. [7])

اهتمام به حد ث، پس از تمسک به کتاب حک م حم د، برتر ن وظ فه ای است که عالم د ن بدان مکلف است، ان، استضائه از انوار علم و حکمتی است که از کلام و تعل م و هدا ت پ امیر مکریم اسلام صلی الله عل ه و اله و ائمه معصوم ن از اهل ب ت آن حضرت عل هم المصلا و السلام ساطع می گردد و خرد و اند شه انسانی را دستگ ری و راهنما یی و زندگی بشر را برخوردار از سلوک حک مانه و خردمندانه می کند. و چن ن است که حضرت ابی جعفر عل ه السلام به جابر می فرما د: « ا جابر! والله لحد ث تص به من صادق فی حلال و حرام خ ر لک مما طلعت عل ه الشمس حتی تغرب.»

در تاریخ علم د ن، جمع حد ث و حمل و فهم و درک و شرح آن، یکی از بزرگتر ن و طولانی تر ن فصول است و با ک نظر، حد ث، مادر بس اری از علوم اسلامی و ا همه آنها است و از ان رو است که عالم د ن شناس بزرگ اقدم، شخ کل نبی رحمة الله تعالی در مقدمه کتاب کافی شرف، حد ث را برابر با علم د ن دانسته و آن را محور علم و ایمان به شمار آورده است. دقت و بار ک ب نی فقهاء و علمای برجسته سلف در امر حد ث و چگونگی تحمل آن و

شرائط وثوق به روايت و دیگر آنچه در اين باب بر اهلس آشکار است، همه از همين اهميت و عظمت شأني که درباره حدیث و تأثیر آن در سرنوشت فرد و جامعه سرچشمه مي گيرد.

امروز درباره حدیث، به تدقيق و جداسازي سره از ناسره و راست از دروغ و مسلم از مشکوک و نيز به تأمل در فهم معضلات و مفاد و مضمونهاي اساسي در آن و نيز به تطبیق انبساط با کلام الله عز و جل و نيز به شرح و بسط عالمانه و محققانه و نيز به نشر و همگاني کردن آنچه همگان را به کار خواهد آمد و بسي خدمات و تلاشهاي دیگر، نيز از ميبرم و سازماندهي شده وجود دارد. در کنار اين همه، پردازش علم رجال، و نيز بررسي تاريخ صدور حدیث و سوابق آن و نيز کسب آگاهي از آن زمينه هاي که صدور هر حدیثي را لازم اراجح ساخته است و نيز جستجو از مضمونهاي مشابه در کتب حدیث اهل سنت، از جمله کارهاي لازم و ضروري است. [8]

کي (ديگر) از راههاي که در اعتقادات انسان، در مباني فکري انسان، در روح انسان، در انسان عميق ايجاد مي کند، دعاها است. در دعاهاي معتبر، خالصي معارف وجود دارد که انسان آنها را در هر چه جا پيدا نمي کند، جز در خود همين دعاها. از جمله اين دعاها، دعاهاي صحيفه سجاد است. در منابع معرفتي ما چيزهاي وجود دارد که جز در صحيفه سجاد 4 در دعاهاي مأثور از ائمه علم هم المسلم انسان اصلا نمي تواند آنها را پيدا کند. اين معارف با زبان دعا پيدا شده، نه اين که خواستند کتمان کنند، طبيعت آن معرفت، طبيعتي است که با اين زبان مي تواند پيدا شود، با زبان دیگری نمي تواند پيدا شود. بعضي از معارف هم جز با زبان دعا و تضرع و گفتگو و نجوايي با پروردگار عالم اصلا قابل پيدا شدن است. لذا ما در روايات و حتي در نهج البلاغه از اين گونه معارف کمتر مي بينيم، اما در صحيفه سجاد 4 و در دعائي که در مناقبات شعبان 4 و در دعائي عرفه امام حسين عليه السلام و در دعائي عرفه حضرت سجاد عليه السلام و در دعائي ابو حمزه ثمالی از اين گونه معارف، فراوان مي بينيم [9] (که اگر کسي آنها را بخواند و بفهمد، علاوه بر اين ارتباط قلبي و اتصالي که به ذات اقدس الهي و حضرت ربوبي پيدا مي کند، تک مبلغ عظيمي از معارف را هم از اين دعاها فراهم مي گيرد.

[10]

اميدواريم خدای متعال فضل کند که ما بتوانيم به برکت تمسک و توسل به ذيل عنايت پروردگار و استفاده از آيات کریمه قرآن و کلمات نبي اکرم صلی الله عليه و آله و سلم و ائمه معصومين عليه السلام، آن وسيله اساسي را که اسلام با آن توانسته است موفقيتهاي خود را به وجود آورد - که آن انسان سازي است - تأمین کنیم و اين راه را با نيز و نشاط بیشتری ادامه دهيم.

[11]

[1]. 26/8/1377

[2]. 5/5/1384

26/8/77 [3].

26/8/77 [4].

17/7/84 [5].

10/01/1369 [6].

31/06/1370 [7].

22/08/1374 [8].

17/7/84 [9].

21/7/85 [10].

07/09/1376 [11].